

حسنین هیکل:
شما تجربه کاملاً جدیدی داشتید...

القلاب اسلامی مسئولیت دارد که خود بجهان غرب
برود و خود را بشناساند
من باگر ایشیای فعلی مصروف مخالفم و نظرات خود را
منعکس کردم.

حسنین هیکل از روز نامنکاران بروخت میرکه در زمان ریاست جمهوری
حال عدالتان را سردبیری شنیده «الحرام» را پیده داشت تا گفت
در یک صحنه طویلی با خبرنگاران داخلی شرک کرد و سوالات
کنایه ای را پرسید که خبرنگاران باید این را بازخواهید.
هیکل در پاسخ به سوال بکی از حسنین هیکل از خبرنگاران که بررسی به چه سطح
به ایران سفر کردیست، جنسن پاسخ داد:

پس از پیش از مبارزه انقلاب ایران نامه اندام را پیش از تبدیل نیستم، با این
نوشتن کنایی در مبارزه انقلاب ایران نامه اندام را پیش از تبدیل نیستم، احمداده نامه اندام، با
کیم و پیغم و پایام امامه کم که مطالعه سازاره ای را کتف کردام.

دانشجویان پسرو خط امام در لاهه حاوسی پرسید، هیکل در پاسخ
پیش از سوال گفت:

من بخوبی آشنا را درگ میکنم هنها ملته تفاوت من دویل

است. مهم اگر من آنها را داشتم همیکار را میکردم ولی ملته ای

من در این سیستم، ولی من بخوبی می فهم که آنها جزو این کارها

را کردند. وقتی اینها رفته و آنها سخت کردند، میکنم که

چه دلایلی آنها به سازاره ای انتقام اعمال کردند و گروگان گرفتند.

و در پاسخ به سوال اینها میگم، زیرا شوهد شدام که آنها جوانان

انقلابی وطن پرستی هستند.

هیکل در مورد اثرات انقلاب ایران پرتوهای عرب گفت:

اگر آن سازاره بزرگ بوده است، وقتی میکنم که ملته ای از این کارها

عرب از انقلاب شنا خودست دندانه خلی هم خوشنود شده است. ولی

ندیشه نهادنگویم که بخوبی شنا و هدفها و سایرها آنرا از انتقام

که برای ایران ایجاد کردند را درود کردند و این ماه خوشنودی

شده است. اینها میگفتند که اتحاد ملی شناس و خوددار و این ماه خوشنودی

شده است. و اینها را باید کردند،

و پاسخ داد:

پس از این اتحاد ایجاد گنگوهای «و طوفان»،

خودنگان نهود خوبی برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار،

اسدوارم که بتوانند در این راه موفق شوند. ظاهراً طوفان بیماری

و خوددارد. اما اینها میتوانند ما را باید دهد، در دوچیزه خلاصه

شود.

اول پیروزی انقلاب ایران

دوم ایجاد اتحاد ملی ایران و دیگر کشورهای مسلمان هیجان

هیکل همین در مورد سازاره کشورهای اسلامی علیه امیرالاسلام

آمریکا و دیگر کشورهای استعمارگر اظهار داشت:

سردگر کشورهای مسلمان تاریخی تذاره، تردد ما برای طولانی است و

انقلاب ایران گذشتی خوب است بشرط این همکاری

معنی کیم تا این راه دستور را ایجاد دهنم.

هیکل در پیش از این سفر از ایران مکرر مصدق بخان ایران آمد، باز دوم در زمان

نیاه و بار سوم هم که معنی حلال است.

همکوئی ایشان برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار شدند، و میتوان

وی پاسخ داد:

پس از این اتحاد همیکاری که میتوان اتحاد داد ایجاد گنگوهای «و طوفان» است. تا

خودنگان نهود خوبی برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار،

اسدوارم که بتوانند در این راه موفق شوند. ظاهراً طوفان بیماری

و خوددارد. اما اینها میتوانند ما را باید دهد، در دوچیزه خلاصه

شود.

اول پیروزی انقلاب ایران

دوم ایجاد اتحاد ملی ایران و دیگر کشورهای مسلمان هیجان

هیکل همین در مورد سازاره کشورهای اسلامی علیه امیرالاسلام

آمریکا و دیگر کشورهای استعمارگر اظهار داشت:

سردگر کشورهای مسلمان تاریخی تذاره، تردد ما برای طولانی است و

انقلاب ایران گذشتی خوب است بشرط این همکاری

معنی کیم تا این راه دستور را ایجاد دهنم.

هیکل در پیش از این سفر از ایران مکرر مصدق بخان ایران آمد، باز دوم در زمان

نیاه و بار سوم هم که معنی حلال است.

همکوئی ایشان برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار شدند، و میتوان

وی پاسخ داد:

پس از این اتحاد همیکاری که میتوان اتحاد داد ایجاد گنگوهای «و طوفان» است. تا

خودنگان نهود خوبی برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار،

اسدوارم که بتوانند در این راه موفق شوند. ظاهراً طوفان بیماری

و خوددارد. اما اینها میتوانند ما را باید دهد، در دوچیزه خلاصه

شود.

اول پیروزی انقلاب ایران

دوم ایجاد اتحاد ملی ایران و دیگر کشورهای مسلمان هیجان

هیکل همین در مورد سازاره کشورهای اسلامی علیه امیرالاسلام

آمریکا و دیگر کشورهای استعمارگر اظهار داشت:

سردگر کشورهای مسلمان تاریخی تذاره، تردد ما برای طولانی است و

انقلاب ایران گذشتی خوب است بشرط این همکاری

معنی کیم تا این راه دستور را ایجاد دهنم.

هیکل در پیش از این سفر از ایران مکرر مصدق بخان ایران آمد، باز دوم در زمان

نیاه و بار سوم هم که معنی حلال است.

همکوئی ایشان برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار شدند، و میتوان

وی پاسخ داد:

پس از این اتحاد همیکاری که میتوان اتحاد داد ایجاد گنگوهای «و طوفان» است. تا

خودنگان نهود خوبی برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار،

اسدوارم که بتوانند در این راه موفق شوند. ظاهراً طوفان بیماری

و خوددارد. اما اینها میتوانند ما را باید دهد، در دوچیزه خلاصه

شود.

اول پیروزی انقلاب ایران

دوم ایجاد اتحاد ملی ایران و دیگر کشورهای مسلمان هیجان

هیکل همین در مورد سازاره کشورهای اسلامی علیه امیرالاسلام

آمریکا و دیگر کشورهای استعمارگر اظهار داشت:

سردگر کشورهای مسلمان تاریخی تذاره، تردد ما برای طولانی است و

انقلاب ایران گذشتی خوب است بشرط این همکاری

معنی کیم تا این راه دستور را ایجاد دهنم.

هیکل در پیش از این سفر از ایران مکرر مصدق بخان ایران آمد، باز دوم در زمان

نیاه و بار سوم هم که معنی حلال است.

همکوئی ایشان برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار شدند، و میتوان

وی پاسخ داد:

پس از این اتحاد همیکاری که میتوان اتحاد داد ایجاد گنگوهای «و طوفان» است. تا

خودنگان نهود خوبی برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار،

اسدوارم که بتوانند در این راه موفق شوند. ظاهراً طوفان بیماری

و خوددارد. اما اینها میتوانند ما را باید دهد، در دوچیزه خلاصه

شود.

اول پیروزی انقلاب ایران

دوم ایجاد اتحاد ملی ایران و دیگر کشورهای مسلمان هیجان

هیکل همین در مورد سازاره کشورهای اسلامی علیه امیرالاسلام

آمریکا و دیگر کشورهای استعمارگر اظهار داشت:

سردگر کشورهای مسلمان تاریخی تذاره، تردد ما برای طولانی است و

انقلاب ایران گذشتی خوب است بشرط این همکاری

معنی کیم تا این راه دستور را ایجاد دهنم.

هیکل در پیش از این سفر از ایران مکرر مصدق بخان ایران آمد، باز دوم در زمان

نیاه و بار سوم هم که معنی حلال است.

همکوئی ایشان برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار شدند، و میتوان

وی پاسخ داد:

پس از این اتحاد همیکاری که میتوان اتحاد داد ایجاد گنگوهای «و طوفان» است. تا

خودنگان نهود خوبی برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار،

اسدوارم که بتوانند در این راه موفق شوند. ظاهراً طوفان بیماری

و خوددارد. اما اینها میتوانند ما را باید دهد، در دوچیزه خلاصه

شود.

اول پیروزی انقلاب ایران

دوم ایجاد اتحاد ملی ایران و دیگر کشورهای مسلمان هیجان

هیکل همین در مورد سازاره کشورهای اسلامی علیه امیرالاسلام

آمریکا و دیگر کشورهای استعمارگر اظهار داشت:

سردگر کشورهای مسلمان تاریخی تذاره، تردد ما برای طولانی است و

انقلاب ایران گذشتی خوب است بشرط این همکاری

معنی کیم تا این راه دستور را ایجاد دهنم.

هیکل در پیش از این سفر از ایران مکرر مصدق بخان ایران آمد، باز دوم در زمان

نیاه و بار سوم هم که معنی حلال است.

همکوئی ایشان برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار شدند، و میتوان

وی پاسخ داد:

پس از این اتحاد همیکاری که میتوان اتحاد داد ایجاد گنگوهای «و طوفان» است. تا

خودنگان نهود خوبی برای ایجاد اتحاد ملی شناس و خوددار،

اسدوارم که بتوانند در این راه موفق شوند. ظاهراً طوفان بیماری

اتحاد آمریکا و انگلیس بر علیه ایران

بعد اطهار داشت انگلستان دوست
آمریکا موده است و از این گفت
حایات کرده و خواهد کرد دوست
مالات متعدد در مغایل حایات
انگلستان از این کشور در سوان ایران
طبور کامل از موضع انگلستان در قبال
شنه رویها حایات به عمل آورده
است در این موضع باده جاذبترین
کودک در برخاست راه را در از طم
کنگره مسروق عاد حرم حضایی
آمریکا علیه رویدن را مو تود
روز دوستی س از پایان دیدار
کاربر و ناجیر از لندن گوارش شد که
پوافتنه آتشیس در رویدنها امضا
شده است بیش از گزارش کاخ
میدعه بنیاعی مادر کرد و احتمال
مواقت است را که بروزی سوی
دبليوای انگلستان حواب.
خبرگزاری تاين در تصریح که
اروپا نکن پیمانه دارد مارکارت
ناجیر بخت وزیر انگلستان از الالات
متعدد معاشره کرده است منویه:
کاربر و مارکارت ناجیر لی
ملاتی که با نگذیر داشته در
موره سائل دوچاره و مکلام
حقیقت بین المللی به سخت و گمک
برداشتند از عالم ناجیر
مسوان این موضع را درگیر کرد که
وی طبور کامل از الالات مسخره در
سوان ایران و آمریکا حالت مکد
و بخصوص وی مول داده است که اکن
الات مسخره از سورای است غافل
اعمال صفات اقتصادی فله ایران
را باید انگلستان از آمریکا حایات
خواهد کرد
ماکارت ناجیر در میهمانی کاخ

هم اکنون دستجات مختلف از جمله سازمان تربویتی "نظم" که تحت نظر یک وزیر ارشت اداره میشود. بوجود آمداند که وظایف سازمان حفظ صافع - ارایابان و مالکان بزرگ اسالاودور در مقابل تصریفات احتسابی رحیمکان و کارکران میباشد. این سازمانها که فراغ اتحام خواهیهای زندگانی از

ثبات و کنترل هم دریغ میکنند دهی هزار غصه دارد و از جمله سازمان - "نظم" که موارد اهرهار غصه میباشد. این سازمانها با اقدامات مخصوص خود قادر به حل کوکویی از هرگونه تنظاهات مخالف و اعیانیان گوشیهای مختلف میباشد. داوهطنیان حدیث دراین سازمانها مردمانی فقری هستند که با - بیومن به آنها علاوه اجراء قتل و غارت و تجاوز میگویند و نزد اینها اوردهاند و بیومن بزیر به وظیفه خود عمل میکنند. نرسیدن و خودالهای مفرمازی میگذرد و آنها دارای این امور میباشند و نایاب همچ گفتارند و مجموعه این عوامل بعضی فقر - بیکاری - ظلم - استفاده افراد خرج و مرد - نیکای اینها را در رسیدهای مختلف فرهنگی، اجتماعی اقتصادی و سراجام حرمونتها و فاصلهای طبقاتی زیاد هند و همه دستیابیت هم داده و زیبوروای و قوع انقلاب دروان گکور آناده کردند. نظاهرات و

نارسایها کترس باشند و زیبوروای اعاده سمعتی بخود میگردند.

هم اکنون در آل سالاودور سازمانهای مختلف در رهبری تنظاهات و ایجاد گوشیهای تربویتی میباشند بر اینهای ریتم دست دارند که ازان جمله سیتوان بد گروه جب کرای جریکو را دیگال که خط میانزه سلحنه را درین کوکنده اشاره نمود. این سازمان اعتمادار:

۱- ایشان اغلبی خلق با بلوک انقلابی خلق - ب- ب، آر"

پس از پیروزی نی کنوارهای آسای جنوب شرقی و آفریقا و بینال اسلامیات
کوچک شدند خلیج آردن و بیکاراگوئی، اینک طوفان اقلال با دیگر گرفته
و این بار در سیزدهم آوریل مکری را دربر گرفته است.
پس از پیروزی حکومتی آسای دنبیست نیکاراگوئی اینک الایام بخت سایر کنوارهای
آمریکا شدید است. تمام سیاکوت سانکر بودیکی و دفع اعصار در سطحه

امروزه اوضاع سیاسی اقتصادی کشورهای سلطنه همچون دیگر -
جوانانی است که هر لحظه سرخواهد رفت، نکنایی که پساز پیروزی خلق
سکاکانه، نشانهای و نوع انقلاب در گواستالا و ال سالوادور بیتاز سر -
زمی میختم میخورد.

در آن سال و دور جه میگردید؟
السال و دور کشوری است کوچک در آمریکای مرکزی که درین گذرهای هند
و راس و گواتمالا و در ساحل تروپی اندیانوس گیر قرار گرفتاست، با حجمی

حمایت احزاب و سناتورهای ...

کوکان های سفارت امریکا در تهران
را لازم مدارم.
ساتور اولانه خود حرب دنیوکار
شیخ، ساتور تاریخی خود
حرب کوکنی، نوبوتون درست کل
شدنگانی کارگری، پوشش دسر کل
خدمه اندلاع بوسالی و معاون
کل کسون امور حارجی بارسلان
اسالان، کوئیشی خود بارسلان و
کسهمگرگی حرب برسالی و
توکانالدو خود حرب راد بکال و
بارسلان.

۴- دریوگاهی مسنج مقاومت می خواستند که این گوهه های سرگردان حکومت فعلی و موکاری بگ حکومت ملی
بالا نمودند. آنها بعد از مدتی و فصل اعفای دولت، وزیران و
حصنهای ساسی و نظامی دست زدند، به مرأکز رادیو تلویزیون حمله کردند،
ادارات مهم دولتی را به اختلال خود درآوردند و ماحصلات گشته در جریکی
در سراسر کشور دست به عملیات تحریمی میزنند. مثلاً "سازمان جهانی"
ب- ب- باز آن که حدود ۵۰ هزار همراه اس سازمانهای کارکری و داشتگی
و امورگاری را غاصبنشانند دارد، پوشیده بر شدت ضربات بود و بروزگام
ساقیانه و مستکلات ساز رسانیده براوی دولت بوجود آورد و در دست از جمله
عملیات این سازمانهای با منابع از تور و درود و مدن و بروزی دولت زنگال -
کارلوس مخلوع نام برده که در سمت این سایر سرپرستگان
و سردمداران حکومت دیکتاتوری سابق.
خلفانگار عدوی مهان از طبقات ایجاد جنجالهای بر سروصدای درجهت
اشنا ساختن دیگر طبقاتی جهان از جهات و زمین از زمرة" دیگر بر نامهای و
اهداف سازمانهای قوی نشان میروند که شامل گروگان گیری تحصینهای
خارجی و خلیجی مسارت خانهها و کسرکوبیای کشورهای محتفظ میباشد.
اینچه حملات کسرده "جزیرهای جبهه" آزادیخواه خلیج به شهرها و
طبیعت موقوفان روز بروز و سنت و گترن میباشد و چند است که کاه شهري
را برای چند میباورند و من در پرسندهای خود از اشغال خلیج به شهري
و مرور آن میباورند و من در پرسندهای خود از اشغال خلیج سازمانهای دولتی
مردم را به مکانیکی را با خود دعوت مینمایند و از آنها برای این همایی و احتمال
تظاهرات که میگردند، با از جمله به اینستاگرامی رادیو و تلویزیون -
سازمانهای خود را میدهند و دسته افتکارگیریایی درجهت بولما ساختن -
ما چیزی داشتیم هیئت حکم داریم و دار و دسته نفوذی داریم و سوابه دار و نظایران
میزند، از دریگاهی سازمانهای مبارزه میتوان از "حسن جهانی" ای- ای- ال
نام برده که از کوادرهای نظامی و پربرسی شکل گشته است و از کادرهای
چنان ارتقی برخوردار است. اتفاقیهای اسلامی اسلامی اسلامی هنوز از توانایی
لازم برای آغاز حکمرانی بخش برخوردار نشستند بالا احوال باعث نشوی و علاقه
و اغراق بمنوشهای موظفان اسنایلی خویش عمل نمیکنند، هر چند بظری برسد
که برای رسیدن عویض طبقات درجهت مبارزه هنوز احتیاج بذراخان بسیاری
میباشد. در این میان اتحادیه های کارگران و کشاورزان روز برسود قدرت بسیاری

بریان اسپاسولی مکنم سکند و دارایی مدحت کاتولیک میباشد. باید حفظ
آن شوشن سالادور است.
ابن کشور در ایالات ۱۸۴۲ میلادی مکنم بیوسته و از ایالات ۱۸۴۴ میلادی
عفو در راسون میریکان مکری بوده و سرانجام در ایالات ۱۸۴۱ میلادی همان است.
کمال خودرا مدت آورد و این کشور نوشت شده است که
در اینده است. ناکون ۳ فاون ایالات برای این کشور نوشت شده است که
آخرین آنها در ایالات ۱۸۶۲ میلادی کردید. با اینحال انتشار محدود که باز هم
اگر قانون دستخوش تغیرات دنگی شود. در حال حاضر حکومت -
الله سالادور در دست هفتاد و پنجمین مرکز از دو نظام و سه غیر نظامی میباشد
که جندی پیش بدنال یکموده ایشان بدون خودبری کارلوس خوبی نمود و مروج
وزیر ایالات و رئیسجمهور راستگاری این کشور از مقام خود برگزار و خود
اداره امور کشور را در دست گرفتند.
زمیال کارلوس در تمام دوران حکومت خود نیکن نیون و سکارترین حکومت
نظماں را که از ایالات ۱۹۲۴ میلادی کشور نکل گرفتند است کار نیست و از هیچ-
کوهد ظلم و نهدی نسبت به موبد کشورهای دیگر. وی دستگاهی را به
ستنهای درجه خود رساند و کشور نکار و نهن وی، اعماقی حکومت حدید بدو داشتن قدرت-
پوی داد و میاز کنار و نهن وی، اعماقی میخ در زمینه های مختلط ملکیتی نب-
دیگر کوهای از سکلات نکنده بلکه رسمنده عصان و اتی را برای ایجاد یک
انقلاب ایجاد کردند. در این کشور فر هجدهون سار نیاکن ایرانیکی لاتین
و آمریکایی مکری بیداد بیکد. ایالات سالادور ریکوری است خرس منعی که دنها
من در این دهود را در میان کشناوارها و موارعی که جوید که مد ریکرت بوس و
درست و نکند و لوپیا و فمه و بینه و نیکر فرند است و با شادرات عده-
خود گه عبار نداری قوه و نیکر بدنبال رفع نایامنها و نکنهاشی-
اقتصادی است. هم اکون گرسکی بزرگترین سلسله برای حکومت وقت بیمار
سرمه. فقر و بکاری دوغامل مهم و اکنکه های اصلی نارسایی سرمه
مساکنده که هر لحظه اوج بیشتری سکرید. امروزه در شهرها بکاری بیداد
بیکد و زمین داران یکی میسازند مکری کارلوس خوبی روسایی و ازا زمینهای
خود میزونند کمکنند تا بازگشت مائیشی و مکانیزم حمولات حاده ای صوار
کدد. کارگران بکار نمیسوی تهرها حکوم آوردند و را خدشان اطراف ای
کرهای سکنی کردند. آنها بین اراده ای عصان زده و غریقالی مهارتند.

حزب دعوت اسلامی در عراق چگونه شکل گرفت

عراق از دور زمانی پیش، به دست حکومت علقومندیهای مزدور انگلیس و آمریکا که بین در بین روی کار آمدند، مبتلا است.
بس از سوط رژیم سلطنتی فرانسی بوسرا عبدالکریم نام، محلات خدیجه بوله، امداد گافر و مزدور که از آزادی کامل برخوردار شودند
سلام وارد شد.
در آن هنگام بود که ملامی مزارع ما برای ملاویت با اینکوبه احزاب و هجمون فکری و فرهنگی استعمار بر عراق، جرزا مازماندهی مسلم و ایجاد یک سرب اسلامی راهی دیگر سیاست، کوششیانی در آن راه آغاز شد که به سمه رسد این کوششای ملیانی اعلام می‌آید. ایجاد جزوی سام جزو دعوه اسلامی بود که با استقبال و تائید مراعم مطلعه در نیعت اشرف مواجه شد.
و زود امام خمینی به عراق و مستقر شدن ایشان در سعد اسراء،

کارلوس در تمام دوران حکومت خود نیکنام نهاد و سعادت‌واره‌من حفظ
نمایان را که ارسال ۱۴۲ هزار کشور شکل گرفتند است. بکار بست و از هرچیز-
نه ظلم و نهدی نسبت به مردم کشور دریغ نمکرد. وی دینکاتوری را به
سیاهی درجه خود رساند و کثیر فقری ال‌سالادر را به ورده نایابی
وقوف داد. سپار کنار گذاشت وی اخراجی حکومت درید و داشتن قدرت-
نیزه از میان برخانه‌های سخن در زمینه‌های مختلف سلطکی نداشت
که گرامی از مسلکات نگفته باشد که زندگانی و اندیشه برای ایجاد یک
عقلاب اتحادی کرد. در این کشور فقر همچون سایر ممالک آمریکای لاتین
آمریکای برگزی بسیار بیشتر است. ال‌سالادر و گئورگی اول غیر منعی که تنها
بر درآمد خود را در همان کشورها خواهد بود که در زیرکت بروج و
برت و گندم و لوبیا و قهوه و پیسه و بیکر رفته است و با صادرات عذرمه-
بود که عبارتندار قهوه و سفرت سنتال رفع ناسایماهی و نیکناهای-
زمینداری است. هم‌اکنون گرسنگی برگزیرین سلکه سرای حکومت وقت بشار
بربرد. فقر و بیکاری دوچال میم و اینکه رهای اصلی نارسایی مردم
سازندگان را هر لحظه اوج بیشتری میکنند. امروز در شهرها سکاری بدداد
میکند و دینم داران را که بگزیری میکنند را کارگران روسایی دار و سیاهی-
بود. سرورن میکنند تا راه‌گذشت ماسی و کاسکاره مجموعات صادراتی همچو
ردد. کارگران بیکار بدسوی شهرها همچو آورداده و راغدنشان اطراف است
میزهای سکی گردیده‌اند. آنها بسیار از اداره عسایرزده و غیرقابل مهارت.
بلطف ال‌سالادر بدین ترتیب شدیدترین سنهای مکن در
برفشناده و جنس اند است که اوضاع سایه‌مان اتفاقی و سراسی ال‌سالادر را و
محرومیت شدند. مردم متعدده است و اعتماده از ایهار آن‌ماده اقلال
زدند. در این میان ویمندان بزرگ و کیاپیهای آمریکایی برای جلو-
بری از شروع احلاچات ارضی همگوئه کاری میکنند و گوشیهای شمار رحت.

حزب دعوت اسلامی در عراق
چگونه شکل گرفت

عراقي از در بير رعياني پيش. به دست حکومت ملاليتپهای مددور انگلستان
و آمریكا که بین در بین روی کار آمدند، مبتلا است.
پس از سقوط رژيم شاهنشاهي عراقي توسط ميدان الکريم نامه حملات
دشمني بوسيله احزاب کافر و مددور که از آزادی كامل بوجود دار سودند
ملاسلام وارد شد.
در آن هنگام بود که علماني مازر ماوري ملاآوتست با استکونه امراء
و هموم فكري و فرهنگي استعمار بر عراق. جز سارانده هی سلم و احجار
بک حرب اسلامي راهي دیگر ساخت. گوشتهای در اين راه آغاز داد که
به شرح رسيد اين گوشتهای علماني اعلام ماء. احجار حربی بنام "حرب
عدویت اسلامی" بود که با استقبال و تائید مراجع خلیفه در تبعید اشراف
واحد شد.
ورويد اينام حميتي به عراق و مستقر شدن ايان در بجهه اشرف.
قطعه غلظت تکوفی در مزارویت اسلامی شده بود و اين مزارویت اذکار
و سمعی از دانشجویان و بازاریان و علماء و طلاب حوزه های فلامنگو را
دور گرفت.
با روی کار آمدن حرب بخت. بوسيله سعاد و نعمت شدن و زندانی
و تهدید و تنهجه حسن علماني اعلام بوسيله رژيم حاكم یعنی سارات
اسلامی در تگها فرار گرفت و هر همان با آن اویس چهارهای پیمار اغلاص
اسلامی در بغداد بست دخخهان یعنی به شهادت رسید.
(-) حجت الاسلام معی خارق العصری ۲- حجت الاسلام سید
هزارالدين القباچي ۳- حجت الاسلام سید مصطفى التبرزی ۴- اساد مسید
توري طعمة ۵- اساد مسید حسن جلوحان.
پس از شهادت اين گروه، فعالیتپهای اسلامی اوح کرمت و با او حکمرانی
این فعالیتها. حشوط حکام بعثت سو شدت بافت.

ملاقات معین فر و وزیر نفت با رئيس جمهور و نزول

قدام آمریکا در مسدود کردن ... از صفحه ۱

ملت سور و اندیلی ایران :
برادران معاحد شما در عراق ، به کنک و بختیاری و ناید خما
ساز دارند . آنها از پیروزیهای چشتگر و مستمر شما ملته امپریالیسم
البایام مکفرد . پیروزی شما . روسوگراه ملت ما برای حفظه میانی گذربده
امپریالیسم در عراق میاند . و پیروزی تردید است .
ای سلطانان انقلابی ایران :
ای پیروزهای برادران شاهزاده عراق در خرابی سیار بحرانی سر بربرد .
این وضع ما را میاد روزگار شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) در دوران
اویان و عبايان می اندارد .
بارداشت بحورت دسته جمعی اتحام مکفرد . و هم جانشیانی
نیست که زندگانی یا میمه شده . با تسبیدی تداشت ماند . و بطور مختصر
مزدوران بعثت عراق این حقیقت را در میانهاند که پیروزی اغلب شما
درجه اید این اتفاقی را روی برادران شما تاریک کرده است . ای ایروانیان !
آنچنانی که میتوانید با استفاده از وسائل علمیانی وسیع خود . سی داری
نا پیزه اغلب شما را در ادھران دکرگون خلوه بدھن و خون شهدای شما
را با پاسال کنید و در هر علیم الشان شما را ای ایرش نامداد کنید . و به
اینکارها سده نکرده بلکه همانطوری که میتوانید و اسان لاده حارسوی
آمریکا در سوران شیان ماد مزدوران بعثت خود سواتد کردشان و خوششان

برنو کرا یسکی خبر مانجیگری خود را در قبال

دوسوم بسته قلند درازن رسیده موجپرسن هدی می شد
دانشجویان فلسطینی در پاکستان آزاد شدند
تغافل های از امام خمینی در تولوز فرانسه
تولوز - خبرگزاری فرانس
گروهی مانع تردد اسلام شوی
امرازی بعد از مطهر در بور داریوں
جنوب فرانسه میتوانند ایجاد
آستانه عالیه مذهبی داشت
ظاهرات رسیده میلیون تولوز میں
اعلام این خبر اطلاع دارد که
دانشجویان ایرانی در حالیک
بلادگاه ها سفارت های بریتانیا و امریکا
عمل میکردند و هدفت گذاشت در
دانشگاه اصلی این شهر
اصحیمانی کردند تظاهرات رود
که شکلولوں بدو همچوئی کردند و گردی
پس از یکماه یا بیان بافت.

بعد طولانی داشتادن و موضعگیری مغلی اینه در برابر اخراج روحانیوی آمریکا در سپاه و موقعگیری مغلی آنها بر سارمان اویک علیه اندلاع اسلامی ایران بروی اخراج درجه و اذایران ملیح بعد از شاه مغایعه بوده است. پسین دلیل واسطه بودن آنها به انتقام اسلام آمریکا و میتوانم ساخت

پرگان ایران و آمریکا تدبیر
 اطربی، دریان و مرداری بزرگ
 مسعود و هم امیری، صدوق و حسن
 اغلب ای رفوبانگیکنگی کرد و گفت
 این حرف به مجموعه صحت ندارد
 کی ایکی کنکنطراول علاوه خاصیت به
 امور اخراجی و حماقیت اخشنادی
 رسی رسانیان از اراده سخت داشتند
 پیشتر دارد در قبال سرمان ایران
 موضع خاصی بر عینه نگرفت
 وسیع متدبریس - پهلو
 راسکی صدر اعظم امیرلر
 من کار شهار آنک وی پسته کار کرد
 سرای اراده کی و گواهیای مرگانی
 در تهران ساخته شد و ساخته شد
 در کوکاری امیرلر، گلزار، ماهد
 و در کاسکی سرای امام امیرلر
 من سورا بهای اطمینانی امدادی
 داده که عوان سایه-سی سرمان ساید
 و کارگاهی ای ای ای ای ای ای ای ای

قصة آزادی

سایم خدا

اگر کسی به شما بگوید که درختها، جوانات، کوهها، آسان و ساردها و خلاصه همه جزءی ای که درین دنیا هست ناگفته جرف میزند. شاید بخندید و بگویند: اینها را ما در قصه های مادر و پدر که نهادیم که همان قصه است و واقعیت ندارد. اما آن حق است

دروغ نیستند و این حقها هم قطع در قصه های است.

همچنان با آدم حرف بزنند، بنتیو زبانش با ما فرق نمکند. ناره

صحبت کردن که نباید حتی از راه زبان و گوش باشد. مثلاً و فتنی

وارد باغی میتواند کل سرخ باریک سرخ و بوی نشستش. کلمه بآن عطر زیادش، شناختها بازگهای و مژده های را

در رخت تبریزی با دلبلندی ازه طلاقت باد و سبب هایش تعزیز میکند و

درخت سبب بیرونی از های خالی و یکنکه عورود از سبب هایش تعزیز میکند و

از اینکه چقدر برایان راحتملت کنند میکند.

خلاصه، هیچ چیز در عالم وجود داشت که باش حق نزدیک ام اشترطن

این است که زبان را بدانید و اول شما با او در صحبت و دوستی را

بازکنید، ولی اگر اینکار را نکنید، آنوقت همه عالم ساکن شنید

من اول اینرا گفت نامش که بزرگان نیاورد.

دوستان را بایم غرفت کرد، برایان تغلق کرد. فضای خود را

بعد از باورش کرد. و انشا الله در شاهزاده های بعد بعثا خواهد گشت

که چطور آدم میتواند زبان چیزها را بادیگرد و بالائی حرف بزند و

اینجور قصه های را باور کند.

دوستی داشت که کم حرف سرد و لی و فتنی جزوی میگشت هست که گوش

میگردند. عادت داشت از خودش جزوی نگوید و همین خاطر هم

سخا کسر درباره ای خوب است.

که روز توی زنگ طربی که در کلاس مانده بودیم. گفت:

من خلی دلم مخصوص داشم که خرا تو اینقدر ساکن و باشی

حروف آزادوک:

اتفاقاً من خلی زیاد حرف بزند.

من با تعب گفت: ولی همچنان این حرف نور قبول نمیکند.

خدنمایی کرد و گفت: حق داشماً صحبت میکم.

بررسیدم آها بس و دوستان دیگری داری، شاید توی همسایه هایتان

هستند و با یجدهای فاسیلان.

گفت: نه - آها همه ها هستند. اینجا، خانه، خانیان... خلاصه

منکه داشتم از محبت شاخ در میاوردم برسیدم: کما هستند که من

سی سیستان؟ توکی با آنها حرف بزند که ما نیمیم؟

گفت: هرجی که توی این دسا هست دوست من است. این کتاب،

این مز، آن درخت...

مکر کردم که خل شده با دیوانه شده. با کمی ترس و یکنی سحره

بررسیدم: کجا با این دوستان آشنا شدی؟ ولی انگار اصلاً سوچی

دادست. چون حملی حدی شروع به تعریف داشتم گفت: بعد از بدیدم

روز درس خواندن. با پایه و مادرم سرور شیر بزند بودم حای

آزادانه که دکاریک و دخانه کرد. بعد از اینکه سلطان را کار

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور

شمام و دیگر به حساب و تاریخ و هندسه فکر نکم. همیظور کار

آزادانه را گرفت و رفت. حملی خوشحال بودم از اینکه سلطان را

بودم که بیکنی راه بروم و گوش و کار چنگی را که آن دور و سرور</p



که سواستند تکه‌دارند و مرستادیان به باناما حالا اهالی باناما دارند
فریاد می‌رسد درخواهایها که این مرد را لحساً اورده‌اند جذب‌کننده‌اند یک
حلی استکه باشد بیزیر می‌باشد اسماهه میکند باید این سحل
ساید سهم ملک بوای که به باناما بزود مردم باناما را جوا اذیت
میکند فرستد می‌گفت مودمان ما بودمان ماد آلمانچه کمک
میدمانیم استکه مودمانیا بروای آن دیدر.
استکه اسرار دارند آن مرد شاند بروای ایک اکر ایشان نیش باید ایضاً
محاکم‌سوز و محکمه‌ان باشند و اصحاب جرحت داشتند و سود ایشان را

اگر این مرد محاکمه بشود محاکمه یک آدم مغلوک نیست محاکمه روسای جمهور است

ایند مطلعوک سیست محاکمه روایی جمهور است همانطوریکه این مرد گفت
بود که اگر من را محاکمه مخواهد نکند و روایی جمهور چند سال بسیاره
ناید محاکمه نکند. این محاکمه بگذش سیست محاکمه بکسر آدم سیست
ما اورا مخواهیم برای اینکه یک‌آدم مطلعوک را محاکمه نکنم با محاکمه
این شعب را سازویم اینجا و در طالع این مشکلین مستحبن داشتم
تکلیف‌تان را بدانید یعنی ملت آمریکا هم تکلیف را بازروایی جمهوریتر
بداند.

و پنهان و بداند اینها چه سیاست‌هایی بودند که برای حکومت مکرون
عملیاتیک را فرمدم اینها چه سیاست‌هایی بودند که بهم حکومت
سکردن و فسیدیم و خداخواست‌لرز نایاب کردند و خداخواست که این
شخص را سرویس نکرد وهمی تا اینکه معاکسی از ارادت‌امتنام که دنیا را شرکت
کردیم در این محاکمه از همچنان دعوت کردیم متوجه دنیا سازون دنیا
تخصیص‌های همچر دنیا را از همچنان دعوت کردیم با اینها
اگر محاکمه مکنم یک محاکمه حار و حجال دار نایاب دماغه
شود و بهم سمععنی که اینها موستان را خارج‌دانند آنجا وایاک
حرقهای نامربوطی مخواهند خودشان را بدلند ها تحمل کنند.

و باین‌طیت‌های پیش‌بینیم که اینها ایران نیستند که برای حکومت کنند مودنان
ذکر کردیم به اینکه کسی از اینها باید با منضمان یک میمیر مظلومان
این سقدهم این سیست که برای آدری باید اینها معمولی
کارتر این است که مادا نیکچیس فضای پیش‌باید و دارد پیش‌بیشی یک
جنین مسائلی را میکند و دست و با میکند اورا تکه‌داره حالا اورا شای
دیگر بزد. و بعدم معلوم سیست جخواهندش ولی بداند در طالع یک
لئی این است که این همه دنیا نوجوانان را به اینها را می‌توانند دیگر
طوطوان دنیا را سیست در این حرجهایان هد سانیلر این است این
ومنی یکلکیست تحویله همداشت شد باید خودش درست بیند که بارا -
بلطف نکاردن این جنایهای که این در ایران میتوان در آفریجان بین -
اوردهند و در عین حالهای دیگر بخواهند این جنایهای هم در نظریت‌های
نیکی سیست که می‌توانند اینها خودش را در اینجا می‌توانند
وارد است امدادهایها خارج کند و محاوله کردها را از ملکتیت بین کند و
متضاده اهل‌خود ملکت بایدند و مخالفت کند هم‌ملکتیهای توشه دارد که
این شعبه و چکوونه خودش را در دنیا رسانند -
همانطور که کارتر خودش را در دنیا رسانند -
اسیایی هم که میگویند ما اهل ایران هیم و می‌باشیم و ملت علاوه داریم
و در چکوونه که ملکتیم گزد و ندرت‌ها را گلستان‌دند و مخواهند کی
حکومت ملی بگذشت خودت ای ایشان کنند اینها مخالفت میکند
اوکت دنیا میگهند که این جاذبه‌ای که در آفریجان ایجاد شده‌اند
نحویله ایران را خدمت‌دار نکنند ملت از اینجا خسته‌دار نمی‌شود
همانطورکه تبران خسته‌دار نمود و گردشان خسته‌دار نمی‌شود بلوچستان
هم خسته‌دار نمود و خسته‌لرز خسته‌دار نمی‌گردد.

اگر اینها را میگهند که بر مردم ایران اول هم‌خواهند روسی هم‌گذاشتند
مدى هشتاد سال باید حالا ایشان یک نداده‌ای را باری دادند و فیکر کردند
حالا می‌گردند که باز رایی می‌گذاشتند.

دینا ملر میگردند که اینها چه میکویند در طالع بگملت این مردم به

پاکستان کے سینوپیاں دراٹاند وحالہ ہم با آمریکا کے سینوپ ہائے در
سناڈاں بیٹھتے رہتے۔
معنی سالٹ میرے امریکا رون و مرد درجہ اسما بارہ تھند و بارہ میڑاں لالا کیم
جن بیٹھتے کہ درجہ اسما بارہ بیدا دھدے بود و ملتھا را وادار میکر کدکے
کاشت بائندھ کے سینوپیاں دراٹان سیستھنیں ہم کوئی سکردم کہ این سیناڑا کے
سینوپ سادولت دراٹاند نہ کشم۔ قدرتھا نہیں کشیدد و باور آورہ
بودہ نہ ملتما۔ بطوریکہ خود سنان جی سینادن۔ درکشتے اگریکہ بیاسانی
سینادن و مخواہت پکچڑی رانہ برمد تحصل کئی بردم بے خود حق
سینادن کہ درجہ اسما بکوئی و سکوت سے سریکت نہ سایہ انداخت
و وہ
ای این منا کم کئے نہ سداها دراٹن و نہ سختھا اور را عکت۔
الآن نہ سمتھا کے سینوپ سیناٹ آمریکا انساند این سناڑا ہم عکت

مگر همه دنیا نابع کار تراست و میخواهد

ایران هستد که مردمدار و مردمخواهانند. استواران که حدادون
نیاز نداشتند که در این وقتی که مملکت ایران مبتلا به میلت ها است
که آنکه از گلزارهای بسیار است. واگرایی که هم زیرا زیرا برای آنها میکنم
راه هدف نایابی حاره ایجاد است و من دعای پیروزی برای آنها میکنم
خدادونه همانها و شاهزادگانها را بخواهند و لذا دستبه بک
رسانیدهای عالیه ایشان را بخواهند و میتوانند مطلع کردند که
همچوین جایگاهی میل برور تجسساتی هستند میتوانند آنها خیال
دارند که نا و شمار در این جهاد اسلامی ساختند و ناقل از این هستند
که وقایی که جهاد برای حدا و برای اسلام است نه همهای
جیوه و مادی و قیمتی نباشد که جهاد بجهودی نباشد بلکه فرآیند هم برای
جهاد حاضر است از ارجاعات ایشان بحث نمیکنم. اینها بخواهند که نک
مردی مثل آنکه طلبی و سلایم است مفت را از این سرمه. تو روها و سلامات
برای ایشان سهپرهاست کهند و حافظان ایشان است ایشان سهپرهاست
هر روز را که تبور میکنند مردم ایران برای همهی ستر و اراده ایان میتوانند.
اگر کسی اینجا نیزه نمایند آن وقایی که مردی محروم آنکه طلبی را سوره کرده بودند
فاسی را برور میکنند و همچوین مردی محروم آنایی میخنچند را
ما واقعی دیدند که هر کسی را برور گردند بازار بخت گزند و سرمدم
بستر معانی نهادند اشاره کردند جانگذاری های دارد که باز بدان حیات
دست میسرد. مردی ایشان خدای شارک و تعالی ایشان را کنگره و آزادگان
را و اینچشم محروم گرداند. گندانهای خودتان را ایشان تهدید کردند که
را و ایشان میکند و محرومیت خودتان میزد اینها را ظلمی میگردند. غایبات
خدادوند ایشان که همه اینها را هدایت کنند و ایشان خودتان را از این غایبات
محروم گردند. و بعد از اینکه خودتان را محروم گردند کارهای انسان
میگردند که مخالف میحتد خودتان است سایه ملاحظه کند این آنکه
کارهای برای رسیدن به مقام ریاست حکومیت دست و پا میگردند اینکه حدادون
او را کنگره و گور گرداند که راهیها را ایشان نگیرند اگر بعزمان کنگر کرده
بود و ایشان سکرده و غرفهایی را محروم ایشان را را خصیص گردند بود بر این پیش
بود با پافشاریهایی که برای حفظ پایداری ایشان سکرده و بعدم بدون نیکتد
آدم حایی نهادند ایشان را و مانع اینجا نمیگردند. ایشان را برای برتری میل
تجددی که لمح میگردند چون نتوانست اورا در اینجا نگذارند بحای دیگری
مردم ایشان خوب این پیش گوئد که باز سر و صد فرد ایشان را ایشان میگردند و درین ایام
اگر در شکار برخستادن مرد و برای آنها کنکنند سایه ایشان را ایشان میگردند
ایشان و سعدی ایشان میگردند که من هم برپار این طبقه و عارض ردهها هست
نه طرفدار نگذارند که.

الله خودش هم مارگر است اما ایشان میگذرد سرچاشش بود فاعده این بود
که اگر بخواهد برای خود ایشان بدهد کاری نمیکند با اینکه مملکت هایی بر
صد او ظاهرا کشیده ایشان را و روسی سیکم کی اشکا به بر سرمه بکند دسا
میقوشند. حالا اگر نه با ایشان را بخواهند بخواهند که بر سرمه بکند
تلخانی بود. ایشان میگذرد که دین ایشان شده است ملت ایشان که مدارد نگیرند
بیدار میگردند و از اینجا استعفای خارج میگردند درین جیس موضعی
دشمنی خایی میگردند داخله طیاری میگردند که میگردند داخله طیاری سکم
و کافی نگوئد ما داخله طیاری سکم. اینطور میگذرد که ایشان برای
همان ایشان کششان بارز است ولی گوئد. میگردند به جنها و گوشها و
عظایی ایشان
هزاراهند و سهپرهاست و دشمنی خایی میگذرد بخشنده ملت ایشان که میگردند ایشان
در اینجا میگذرند مرگ و سطیعه ایشان و بخیره زده بالاکه همه قدریها
دشمنی بودند ایشان میگذرد همه که هم گرفتار بیایند که ما ایشان آنها بز
دارند مثل میگردند دست ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان
و از زیر این باری بخوبی میایند شاید ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان
قدرتی های بزرگ را که ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان

امہ انتظام کہ بھا۔

دانشگاه تهران
تئاتر، فرهنگ و ارشاد اسلامی
دانشگاه علوم رسانی
دانشگاه پرستاری
دانشگاه پرستاری
دانشگاه پرستاری

در کتاب حسن گرد میوتد اینها حرف است که میوتد.
- میواده اینطور ملت ما را سراسرند غایل از آنکه سائل این سوالات
اصلحه طلاق در دنیا حالا نگذشته عورده است معینت هم نگذشت جزو
سیما باشان اینکه مارادر اذکار عفت مانده میدانستند این حرف بار اینست.
میواده اینطور ملت مارا سراسرند غایل از آنکه سائل این سوالات
اصلحه طلاق در دنیا حالا نگذشته عورده است معینت هم نگذشت عورده
سیما باشان اینکه مارادر اذکار عفت مانده میدانستند این حرف بار اینست.
میگوید و پیش که در آمریکا زیر گیری کردند و یا اندازه ای که
دوچار شدند میگوید و پرسه از جهت این کارها کمال این اعلاقه نظایر مبالغه.
کمال این اعلاقه از اول میگذشت بعد مدار میواده میگوید ملت ما مخالف است اما
است آنها هم موافق باشد سیم الله مگر متوجه حالا در دنیا یک همچیز
از همانی کرد این حرفها مال ساقی بوده حالا اگر سادی از کارهای این
را اینجا به ترقی شنای لذت غوبهم منظر متوجه شد مگر متوجه حالا از اینکار

مگر همه دنیا تابع کار تراست و میخواهد
زحمت نکشد که کار ترنس جمهور بشود

سیما حتی گفته بودند که اگر این جاوسها را یکتند مذاقه علمی ساخت
بر یک همچو خوبی راست باشد طلوع متود که آنها به عمل آمدند از
دزور ادم جاوسی را فرمایند اگر یکتند که اسازند کاری یکند و ۵۰ نفر
اگر یکتند هیل آن را یک چندلیک و یا خودا موکرا را ساک و خون
در طلوع متود یک تدریجی چشمیده باشند از اول هم طلوع متود که این
مالاها ناشد حالا دیگر چشمیده باشند از حاضر اندیشیده میکنم بسیار
بود سامانه انتقامی بگذشت بینم چه میکند اسها خود را مگر داشت
باشع آفای کاربر اینست که همه دنیا موهاده و حتم یکتند که آفای کاربر
نه چیزی شود همانیست که ایسوخواهه روشی همچو کجا متود
سیما مذاتند که اینست که برای پس از این طلاق جاوسی علی دستان
وحده باشد من کارا کف تمام ما در درآمد که بودم یکتند از اینها
گشتنداو از طبقه نال است میشد زیاد حی راحم بیمن مردم هم و
همی داری طرفه روی چیزی همچو آنرا که بعده ساواردند که هم از کنند بک
سی در یک قسمی اند بود و خوبترین حق دست دادن بود که نسبتی
چیزی داعی شد که مغارستانها در خطر بود و مارا بعده بروادرش همچ
ذا نکرانی نداشتند از اراد جزیری میشد راهی به ملش نا نظردا ایش
لهمباش زیاد قیمت داشت اسها یک چیزی نیاش مردمی هستند که میباشد
اهمیت مدهده نه آدمها را روشی همچو عدن پیش آفای کاربر از این
زد و وجود دهد اینها یک چیزی هایی درست نمیکنند برای اینکه آنها
ای خودشان را کارهای پیدا کند و سپس طلعت خودشان بگویا هستند بدای
و همانطور که گفت خدا گز و گویان گردید هر راهی اینها بروند
خلاف آن مبلغشان است هر طبقی که بگروند خلاف آن و هر کاری یکند
که می خورند امکار مردم موقن شده است.
از گردید در این تحقیق این تحقیق را تحول به هند باز هم بخوبی در دستان است

اطلاعات

سنه نعلى
نادرود به خلق قهريان ايران
ساخته مثال بوسن
از ميان بوده های باک و سلنار
والله الا الله بود و سعادتمنان شاهادت
مکن بود و مت انقلاب را با حرب
بدشهم و اکنون میخواهيم بداتمن که
موکت بر حلقات منوجه مات ؟
چرا هسته بود ووش مذاقلات هست
چرا ورکسان مکنی ما را هدف حلا
ستداد از کارگران . دانشجویان
روهاریون . روشنگران ما را در این برو
موضوع . چرا اميرالیسم موکت بر حلقات
پاسدازان انقلاب اسلامی فوار میدهد
ارتباطات اجتماعی سیاست بازار اسلام
ستوده سی ،

آنسته خودش هم مارکر است اما اگر علیش سرچاش بود غایده این بود که اگر بخواهد سرمه بدهد کاری نکند با اینکه ملکه عالی بر حد او ظاهرات گشته امروز ووری سرتکه کن اشکا به سرمه نکند دنیا عویش شده. حلا اگر شه سا سی سال پیش ازین بود اشکا به سرمه بک میلندای بود. اما وقتی که دنیا عویش شده است ملت ها یکی مدارا زیر میبارندند و از هست طبله استهار خارج میشوند درست جس دفعه دیگر حای سرت مداخله طالعی سرت کاهی میگوید مداخله طالعی ممکن است گویند مادا عالمطیانه سرکم. اینطور متوجه صحبت کردن بران های ایستکه میمانان بازالت و ای کورت سرمه بدهه چشمها و گوشها مغلوبیان آنها عل اند استند و اینست کنکی به سمعقین است ملت های ای ای هواهند و هیبتها بوجه بیدا نکند و فی ملت های سبیت که ملت ایران بر مغایل یکدفتر بزرگ و سلطانی استهار و پیش رده بالاتکه همه قدرها دنیا شی بودند ساز مرطها هم که همین کفشار بیانی که ما داریم آنها سر زارند مثل مرکره سرت داده ایست و جاهایی که ایگر آنها هم حکومت کنند و از روی این باره میتوون میتوان ایستاده گذاش بیخت ملت ایران هم معلم است. ای ای که مامتهم تعلیم کردند گاهی در مسروبه

..... آزادی ...

نده و گفت: خوب من دیگر باید ذکر کنم و از زمین غذا بگیرم ، دیگر
من توائم حرف بزنم .
من مادرستاچکی گفتم: من مادرت میخواهم . خیلی بخشدید .
بی جواست ساراحت نکنم . با من حرف بزن بگو که آن آزادی که همه
نام میدانند چیز . حواشت میکنم . و چقدر این موجودات عالم
میتوانند اصلاً خودشان را برای آدم نمی کنند ، امیرا از همان روز
میگردیم ، چون بعد از این حرف من درخت گفت: عجیب ندارد
عذرخواست نخواه ، میتویم: خد م موجودات به یکجا احتیاج دارند . از
تجاه عدا میگیرند و در آن زندگانند . ماهی به آب و درخت و گیاهان
زمین . من قبل از اینکه از زمین بپروریم بیایم . مدنی بتوی خاک
و بدم ، خاک بدن ما را مهرهایان تو خودخواست کرم میگرد به من عدا و
نگذاری میداد . رشد کردم و بزرگ شدم و تویی همان خاک رشد
و اندام . بعد ساقتم رسان از خاک درآورد و دو قسم شدم . یک
حودشان در خاک ماند و یک قسمت دیگر رومی زمین آمد و بزرگ و
پرورگرفت شد و شاخه و برگ درآورد . بنوه دادم ، مودهایی که به
حودشان افتخار میکنم .
در اینجا درخت بیرون از خود داده داد: آخر میوه هایم
تاخت سرپلیدی من هستند . ولی با اینحال هیچ وقت ریشم امام را
را ماروش نمیکنم چون میدانم که باعث زندگی میست و ما درختها و
بیانات تا آزاد بیانش زنده نمیستم . بهمنین حاظر اگر رسماً هایم در
زمین نباشد . آزادی برایان معنی ندارد . اگر هر از جایم در بیاوری
به اینطرف و آنطرف پیری و بخواهی بقول خودت ما را از یکجا

وون ازاد کنی، من خیلی رود میمیرم.
من که از حرفهای درخت سر در بی آوردم پرسیدم: آخر
من ما تو خیلی فرق دارم، من که درخت نیستم، آدم.
درخت جوانداد: خیلی از جیوهای دنیا با هم تیمه هستند.
تلخا من وقتی ترا می بینم یاد شاخهها و برگها میافتم.
پرسیدم: پس ریشههایم کجا هستند؟
درخت گفت: ریشههای تو قلب نوشت.
باز پرسیدم: ولی حاک من کجاست؟
درخت گفت: حاک تو آنچنانی است که باید قلب تو در آن
اند.
دوباره پرسیدم: ولی آخر قلت من کجا باید باشد؟
درخت گفت: در جانشک اول بار از آن رندگی گرفته است.
منکه دیگر طاقت طاق شده بود با غرباد گفتم: جوا سینکوئی.
آن که به من اول دفعه رندگی داده است چیست؟
درخت پیر بدون توجه به همچنان من به آرامی گفت: آن

در زد و خوردگوهی از مردم زاهدان

۱۰ نفر زخمی شدند

Zahadan - خبرنگار انقلاب اسلامی
 سچ امروز در بروخوردی که بین
 جمعت افوده شد، مطلع آجوری از مردم زاهدان در محل
 مصلاً واقع در نطفه کوهستان
 باشد روابط عمومی ساز باشان
 زاهدان انجاد نهاده است. ۱۰ نفر خوش
 شدند. نیز روحی شفافانه که حالیکی از
 آنها وهم استبدال این بروخورد
 ها هم اکنون تسلیمه و منازعهای
 شهر بحال تعطیل در اندامت.

هشتادی خوب است

خداوند رجوت خسروی کی است که

بروخورد خود را خدای خدمت بس

مستحبین بنتاد.

استفاده از واسطه عومن

یکان را حل مشکل ترافیک شهریان

است.

روابط عمومی شرک واحد تیپرسانی

عباس امیرانتظام ... از صفحه ۳

این عبارت کوچک ساز مدهد که آمریکا در حوات داخلي ایران
 دست داشته است و لذتی این بوده است که از طریق ایجاد ایضا و پسر

کند که آمریکا در این حوات نفسی تدارد و الله اندام هم میکند که این

کار مشکل خواهد بود ولی با یک لاش مدام بی گیری شود.

سند چهارم:

در موضوع دیگری من از او در بروخورد اشتباه بریدم او حوات داد

این برای مساده از نیا یکدیگر در استکلم صفت کیم، بندت

فکر میکردم که خوارج است و این بدل میگردید که ایجاد نایابان را

حل کنند و این مردم دنگل ایپسیان را ایجاد نمایند.

در این عبارت جند نکه به جسم محوره، اول اینکه در استکلم

خیلی راحترین متواند با هم سخت کند جون به جمی و نگوچی از

ملت ایوان موافق ایضا وارد بود و مطلع به زم ایان انتظام خود

دنگل ایپسیان را ایجاد نمایند و زم ایوان هست سامر و ناطر خواهند

بود.

سند پنجم:

این شمارت حسن است:

ایجاد ایضا و پسر مدهد بود که ساری، به سودت بات این سواعدند که

وظیفهای به عنوان کاتال ایپسیان ایوان و ایپسیان قائم شود. او حوت

من گفت ایجاد ایضا و پسر مدهد بود و در آنها بستر ایپسیان و شهبان

متواسم خود باید خود را بزم ملاوه ام طور معلم دنگل ایپسیان

خواهد بود. و نیز از او در بروخورد نمین خود باید ایوان ایپسیان

که مکن است نکی دو ما طول بکشد و خوش بود که خودش نامند این

ملت خواهد بود.

مکن است این بوده است که بتواند در یک مخطب این محتوا را در ایوان ایپسیان

و دنگل ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

سخن ایوان بوده است که بخوان سخن ایوان در آمریکا بعد از

نامه سرگشاده واحدهای وابسته به دارالتبیغ

به حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری

سم الله الرحمن الرحيم

تم - خبرنگار انقلاب اسلامی بحضور حضرت آیت الله العظمی

شریعتمداری

ماکارکان موسایات وابسته به سایه ایمان میکنند

ماکارکان دار

التبیغ

ماکارکان چنانچه

دانشجویان دارالله

دانشجویان

دانشجویان دارالله